«ذهن» به‌معنای فهم تیز و دقیق

الآن برگردیم نکاتی که باید روی آن فکر شود را بیان کنیم. یکی این بود که آیا «کبریاء»، «جلال» و «عظمت» فرقی دارد ای خیر؟ سه لغت است. فعلاً در نظر جلیل «عظمته و جلاله و کبریائه» را به یک معنا گرفتیم. یکی دیگر «تکتنه، تستغرقه، تمثله» بود. «تستغرقه» در نسخه‌ای «تستعرفه» بود که معنای آن خیلی واضحتر از «تستغرقه» بود. یعنی «ممتنع عن الافهام أن تستعرفه»، یعنی «تطلب معرفته»؛ عاجز از معرفت است.

«و ممتنع عن الاذهان أن تمثله»؛ ببینید فرق کلمه‌ی «ذهن» را با بقیه کلمات گفتیم. فعلاً به‌عنوان شروع کار عرض می‌کنم. احتمالاً روح معنا و اصل معنای ذهن، ظرفیت نباشد. یکی از آقایان فرمودند که ممکن است ذهن، ظرف باشد. خُب، مانعی ندارد. اما در معنای لغوی ذهن، خیلی ظرفیت نیست. ذهن به‌معنای فهم تیز دقیق است. «الذهن و التنبیه، اذهن». لذا به این خاطر به ذهن، ذهن گفتند، یعنی حالت فهم آن مقصودشان بوده است. نه صرف ظرفیت آن برای هر چیزی. مثلاً اگر کسی در یک جریانی واقع شود که فهم احمقانه از او ظهور کند، سفیه باشد، حاضر نیستند بگویند «ذهنه». البته در منطق می‌گوییم. می‌گوییم در ذهن او این مطلب سفیهانه خطور کرده است. مثل کلاس منطق می‌گوییم. اما اهل لغت حاضر نیستند به این جریان و فرآیند سفاهت او «الذهن» بگویند. چون در ذهن، یک نحو فطانت و دقت و فراست خوابیده است.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 15:48:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 15:48:56 توسط ... .